

مصادقات‌های دارالاسلام در دنیای معاصر (۲۹) (دولت اسلامی آزواد) (قسمت ۵۴)

تاریخ مردم مالی مثل بسیاری از ملل و اقوام دیگر با اسلام آمیخته شده است و مهمترین شخصیت‌های تاریخ مالی همچون اکثر سرزمینهای مسلمان نشین دیگر مربوط به تاریخ اسلامی این مردم است. هم اکنون مردم مسلمان مالی که تحت حاکمیتی سکولاریستی و دست نشانده و نقشه ای مصنوعی تحت ظلم و ستم سکولاریستهای جهانی مثل فرانسه و سکولاریستهای داخلی و دارودسته ی منافقین داخلی قرار گرفته اند یکی از فقیر ترین کشورهای جهان با منبعی غنی مثل طلا و اورانیوم ... است.

این در حالی است که کانکان موسی رحمه الله امپراتور معروف مالی در سفر حجی که در سال ۷۰۴ ش (۱۳۲۵ ان) انجام داد شصت هزار باربر از جمله پانصد برده وی را همراهی می‌کردند که هر کدام استوانه‌ای از طلا به وزن دو و نیم کیلوگرم حمل می‌کردند. وی با اهدای پنجاه هزار دینار به سلطان مصر و توزیع بیست هزار سکه طلا میان محرومان، قاهره و مکه را حیرت واداشت.

اصلاً نمی توان وضعیت مسلمین مالی در گذشته و حال را با هم مقایسه کرد . گذشته ای که تحت حاکمیت قوانین شریعت الله اداره می شد و مردم در رفاه بودند و زمان حالی که تحت اشغال کفار سکولار جهانی چون فرانسه و مزدوران داخلی آنها در آمده و در بدترین وضعیت به سر می برد و شیطان با یارانش فقر و فحشا را برای مردم به ارمان آورده است.^۱

در قرن ۱۹ ان نیز دولت امپراتوری الحاج عمر با اعلام جهاد علیه کفار بنیان‌های اسلام در این سرزمین را تحکیم نمودند. الحاج عمر با لقب «امیر المؤمنان» رهبر فرقه ی اهل تصوف تیجانیه در غرب آفریقا بود در سال ۱۲۴۳ ش (۱۸۶۴ ان) وفات کرد.

دارالاسلام مالی توسط کفار سکولار فرانسوی در سال ۱۲۶۰ ش (۱۸۸۱ ان) سقوط کرد و بخشی از سودان فرانسه شد و با آنکه اسماً در سال ۱۳۳۹ ش (۱۹۶۰ ان) از استعمار قدیم رهایی یافت و به عنوان کشوری مستقل شناسانده شد اما همچنان در استعمار نو و فرانو توسط دست نشانندگان کفار سکولار جهانی حاکمیت داشته است و همین الان هم در اشغال کشور سکولار فرانسه است و یکی از مزدوران کلیدی آمریکا و ناتو در آفریقا محسوب می‌شود.

^۱ الان این کردهای تحت ستم را نگاه کنید، به عنوان مثال اگر کسی هم نمی تواند از نزدیک زندگی خفت بار سکولاریستهای کُرد را و فریب خورده ها را ببیند کافی است فقط شبکه های ماهواره ای را نگاه کنید. متأسفانه همه دیدید این زندگی خفت بار کردهای سکولار و سکولار زده و فریب خورده سکولاریستها اصلاً قابل مقایسه با چند قرن گذشته نیست . هم اکنون در کردستان ترکیه و سوریه و عراق مشتی دلیل و مزدور زندگی می کنند در حالی که گذشتگان ما مثل صلاح الدین ایوبی و امثالهم تاریخ عزت و افتخار و قدرت و پاکدانی و اخلاق و علم آنان را می شناسد و مردم آنان را می شناسند.

در این دوره جهاد مسلمین این دیار با فرمانده «ایاد اگ غالی» گروه خورده است. «ایاد اگ غالی» یکی از چهره های مجاهدین طوارق و آزواد مالی قبلاً دارای تفکرات سکولاریستی و چپ و سوسیالیستی بود و مدتها در ارتش قذافی و در عملیتهای مختلفی بر علیه مجاهدین شریعت گرا و مخالفین قذافی شرکت کرده بود.

به دنبال آن و در ابتدای دهه ی ۱۳۷۰ ش (۱۹۹۰ن) فرماندهی انقلابیون سکولار و استقلال طلب طوارق در حزب «جنبش ملی آزادسازی آزواد» را بر عهده گرفت که در نهایت این قیام میانجی گری حکومت سکولار الجزایر در سال ۱۳۷۱ ش (۱۹۹۲ش) خاتمه یافت و بسیاری از این نیروهای سکولار به اصطلاح استقلال طلب در ارتش حکومت سکولار مالی پذیرفته شدند و پایان یافت و ده ها تن از نیروهای جنبش مردمی استقلال طلب ازواد در ارتش مالی پذیرفته شدند و «ایاد اگ غالی» هم به عنوان سفیر کشور سکولار مالی در عربستان منصوب شد. در جده ی عربستان بود که «ایاد اگ غالی» با اندیشه های جهادی اسلامی بر اساس تفکرات نجدیت آشنا می شود.

در این زمان قذافی سکولار در لیبی سقوط می کند و بعد از سقوط قذافی سکولار در لیبی مزدوران سکولار طوارقی که در سرکوب مسلمین شریعت گرای مالی مرتکب کثیفترین جنایات شده بودند از ترس مجازات شدن توسط مسلمین لیبی فوراً لیبی را ترک کردند و بار دیگر به مناطق مسلمین طوارق در شمال مالی سرانجام شدند و با ادعاهای ملی گرائی و شعارهای توخالی و همیشگی احزاب سکولار محلی در دفاع از زبان و خط و فرهنگ و ... طوارق به عنوان یک عامل هویت بخش به جای قوانین شریعت الله و اسلام به عنوان عامل اصلی هویت بخشی مسلمین سعی در سازماندهی مسلمین طوارق در راستای اهداف خائنانه و مزدورانه ی خود بر آمدند.^۲

در چنین اوضاعی «ایاد اگ غالی» نیز وارد شمال مالی شد و سلسله کوههای «أغار غار» را به عنوان قرارگاه خود انتخاب کرد و در آذر ۱۳۹۰ ش (دسامبر ۲۰۱۱ن) «حرکت انصار الدین» مالی را در شهر کیدال تأسیس کرد و به این شکل از رهبری سکولار و سوسیالیست تبدیل شد به رهبری اسلامگرا و شریعت گرا.

اما در کنار این مجاهدین هسته های سکولار و ملی گرای مزدور در میان مسلمین «طوارق» مثل قارچ رشد کردند که از مزدوران معمر قذافی سکولار رهبر پیشین لیبی بودند و در سرکوب معترضان لیبی در جریان شورشهای این کشور نیز مشارکت کرده بودند و به دنبال سقوط قذافی سکولار در سال

^۲ اینان به دلیل آنهمه جنایت و خیانتی که در حق مسلمین لیبی کرده بودند از ترس مجازات شدن توسط مسلمین لیبی فرار کرده بودند همان آینده ای که برای مزدوران اوجلان در سوریه در انتظار است زمانی که کفار سکولار جهانی و طاغوتهای محلی آنها را رها کنند و مردم آن موقع می دانند چگونه با این خائنین به دین و ملت برخورد کنند همچنان که اگر یک روزی هم مزدوران طالبانی و بارزانی را در همین کردستان عراق کفار محلی رهاشان بکنند مثل مزدوران طوارق که قذافی را از دست دادند و از ترس مردم فرار کردند این مزدوران هم در مرحله اول باید بروند به کوه های به اصطلاح قندیل خودشان مرحله بعدی در همان جا نابود می شوند. مزدور در میان مسلمین جایگاهی ندارد و حیات مزدور به حیات اربابان آن ها وابسته است.

۱۳۹۰ش (۲۰۱۲ن) به ملی گراهای سکولار طوارق تحت عنوان «جنبش ملی آزادسازی آزواد» جانی تازه بخشیدند که خواهان استقلال منطقه ی خود و تولید کشوری سکولار هستند.

حما حاج محمود، یکی از رهبران این جنبش که مقیم موریتانی است می گوید: " جنبش ملی آزادسازی آزواد نه به سازمان القاعده در مغرب اسلامی و نه به انصار الدین هیچ ربطی ندارد. آنها جنبشی جهادی و افراط گرا هستند. در حالیکه ما جنبشی سکولار هستیم."

این جبهه ی سکولار از کشورهای سکولاریست منطقه و جامعه ی سکولاریست جهانی می خواهد تا از مردم آزواد در برابر هرگونه خشونت احتمالی نظامیان حاکم بر مالی و مجاهدین اسلامگراها حمایت کنند و به این شکل کفار سکولار جهانی و منطقه ای را به اشغال سرزمین خود دعوت می کنند.

اما جالب است بدانید که منظور این احزاب سکولار از مردم یعنی حزب خودشان و مردم برای آنها مساوی است با حزب سکولار خودشان؛ و هر کسی مخالف آنها باشد یا با حزب آنها بجنگد در رسانه های خود چنین نشان می دهند که این دشمن آنها انگار با مردم مخالفت کرده و با مردم جنگیده. اینها ابتدا خود را مساوی با مردم و مردم را مساوی با خود می شناسانند و بود و نبود خودشان را با بود و نبود مردم گره می زنند اما در واقع خواشان را برتر از مردم می دانند، به همین دلیل هر گاه حزب سکولار خودشان در خطر بیافتد به راحتی مردم را نیز در خطر قرار می دهند و همیشه مردم را جهت حفظ حزب و موجودیت خودشان قربانی کرده اند و به راحتی جهت حفظ خودشان وطن و مردم شان را به دشمنان فروخته اند. این سیاست تمام احزاب دروغگو و مزدور در تمام سرزمینهای اسلامی بوده است. فقط کافی است نگاهی به تبلیغات و کارنامه ی احزاب سکولار اطراف خود ببینید.

نکته ی مهمتر اینکه «حرکت انصار الدین» که رهبر آن «ایاد اگ غالی» از طوارق است بر تیمبوکتو مرکز آزواد تسلط داشت و جنبش ملی گراهای سکولار هم که با آنها وارد شهر شده بودند با برقراری ارتباط با کفار سکولار جهانی و منطقه ای و اعلام اینکه می خواهند حکومتی سکولار تشکیل دهند و مرتکب خیانتهای مکرر شده بودند توسط مجاهدین امارت اسلامی آزواد اسلامی کلاً از شهر بیرون رانده شدند تا هم جلو خیانتهای مکرر سکولاریستهای ملی گرا گرفته شود هم شریعت گرایان بتوانند احکام شریعت را در جامعه خود در سراسر شمال مالی تطبیق دهند.

آیا این خیانت سکولاریستهای محلی برای شما هم آشنا و تکرار تاریخ در سرزمینی دیگر نیست که قبلاً و همین الان در سرزمین شما رخ داده است و در حال وقوع است؟ فقط کافی است به مزدوران اوجالان و بارزانی ها و طالبانی ها کومله ها و دمکراتها از زمان تاسیس آنها و از زمان صدام حسین سکولار تا کنون نگاه کنید.

پس طرز برخورد «ایاد اگ غالی» با احزاب سکولار طوارق کاملاً آگاهانه و از روی علم به ماهیت حقیقی این مزدوران است. چون زمانی خودش یکی از اینها بوده و به خوبی با این سکولاریستهای مزدور آشناست و می داند تنها با سبک انقلابی و تنها با زبان اسلحه و قدرت می توان جلو خیانت و مفاسد این احزاب سکولار محلی و حتی جهانی را گرفت. سکولاریستها تنها زبان اسلحه را می فهمند چون خودشان هم در طول تمام تاریخ بشریت تنها با زبان زور و اسلحه و قدرت نظامی و حکومتی با مومنین و شریعت گرایان و قانون شریعت الله وارد گفتگو شده اند. **وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ** **عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا** ^ع (بقره/۲۱۷)

و به این شکل در روز ۱۴ فروردین ۱۳۹۱ش (دوشنبه ۲۰۱۲/۰۴/۰۲ن) دارالاسلام «آزواد» یا «دولة أزواد الإسلامية» با بیرون راندن ارتش سکولار مالی از شهرهای تمبکتو و کیدال و غاو اقلیم آزواد متولد شد و حزب «حرکه انصار الدین» در شمال مالی توانست دارالاسلامی هر چند کوچک با امکاناتی محدود را برای مسلمین این دیار بسازد و تمام قومیت‌های مختلف اسلامی مهاجر و انصار را جهت محافظت و تقویت این دارالاسلام کوچک در شورائی واحد متحد کرد. اولین اقدام دارالاسلام «دولة أزواد الإسلامية» تشکیل شوراهای مختلف در شهرها و روستاها بود که مردم محلی از کانال شوراهائی که تأسیس شده بود محل خود را اداره می کردند. یکی از مقامات این جنبش که خود را «شیخ اگ موسی» معرفی می کند و دستیار ارشد «ایاد اگ غالی»، محسوب می شود در ویدئویی حدود شانزده دقیقه ای اعلام کرد: «این تکلیفی برای ما است که برای اجرای قوانین اسلامی مبارزه کنیم.»

شیخ اگ موسی در این ویدئو به زبان طوارقی اعلام کرد: «ما گروه انصار الدین هستیم ، ما تحت فرماندهی «شیخ ایاد اگ غالی» جهاد می کنیم ، ما خود را بخشی از جامعه مسلمان مالی می دانیم.» «شیخ ایاد اگ غالی» به مردم اطمینان خاطر داد و گفت نیروهای «انصار الدین» برای دفاع از اسلام به آنجا آمده اند .

با آنکه مسلمین بعد از چند قرن در آرزوی چنین سیستم حکومتی بودند که هم اکنون به آن دست پیدا کرده اند اما به نظر شما واکنش دشمنان چه بود؟ همان واکنشی بود که در برابر دارالاسلام مدینه در عصر رسول الله صلی الله علیه وسلم از خود نشان دادند و همان واکنشی بود که قبل از رسول الله و تا کنون از خود نشان داده اند.

ابتدا جنگ روانی وسیعی توسط «مثلث دروغساز» راه افتاد و به دنبال آن مثل همیشه تدارکات جنگ مسلحانه بر علیه دارالاسلام «دولة أزواد الإسلامية» فراهم شد. به عنوان اولین قدم رسانه های سکولار جهانی و بخصوص رسانه های فرانسه و سایر اعضای ناتو به همراه رسانه های آمریکائی و

چینی و ... در کنار رسانه های احزاب سکولار و مزدور محلی و دارودسته ی منافقین بومی اعلام کردند که «دولة أزواد الإسلامية» جزو القاعده شده است، پس باید به آن حمله شود.

ولد بوعمامه سخنگوی رسمی «حركة انصار الدین» با ارائه ی اسنادی اعلام کرد که این جنبش جزئی از القاعده نیست و رهبر آن «شیخ ایاد آگ عالی» نیز نه به اسامه بن لادن بیعت داده است و نه به الظواهری، و هدف «حركة انصار الدین» از بین بردن ظلم بر مردم أزواد و بر پا داشتن حکومت عادلانه است که توسط آن قوانین شریعت الله اجرا شوند، و کارهای ما منحصر به داخل أزواد است و نسبت به کشورهای اطراف هیچگونه اعمال جنگ طلبانه ای را در سر نداریم.

اما با تمام این تجربیاتی که داریم می دانیم که کفار سکولار جهانی و منطقه ای و محلی جهت تحمیل جنگ بر مومنین شریعت گرا و مخالفین خود اصلاً به دلایل و واقعیتها توجهی ندارند و با بهانه های مختلفی که همیشه دارند جنگ را بر دارالاسلام مومنین تحمیل می کنند. این جنگ فروشی و تحمیل جنگ و دیکتاتوری بر پیروان شریعت الله تعالی در ذات آنهاست و قابل تغییر نیست تنها نیاز به قدرت نظامی دارند که آنچه را در دورن دارند در زمین واقع هم نشان دهند.

امادو سانگو، حاکم سکولار و کودتاگر مالی اعلام کرد: ارتش ما نیازمند دریافت کمک های دوستان خارجی ماست تا بتواند امنیت اراضی مالی را با سرکوب مجاهدین انصار الدین تامین کند.

سکولارهای محلی خودشان به تنهایی هیچ وقت نمی توانند دوام بیاورند به این شکل هم دارو دسته منافقین محلی و هم طاغوتهای منطقه ای می خواهند اتحاد جهانی را بر علیه مسلمان فقیر و پابرنه ی موجود در شمال مالی دوباره جمع کنند.

بان گی مون دبیرکل سازمان ملل متحد هم در بیانیه ای خواستار احترام به اصول دموکراتیک در مالی می شود و بر «پشتیبانی خود از حاکمیت قانون اساسی» سکولاریستی حاکم بر مالی تاکید می کند. **وبه این شکل مخالفت خودش را با دارالاسلام ازواد اسلامی اعلام می کند** (آمریکا و چین هم چنین واکنشی نشان دادند. آلن ژوپه، وزیر امور خارجه فرانسه رسماً خواستار بسیج منطقه ای و بین المللی برای رویارویی با «خطر اسلامی» در این منطقه آفریقایی شد.

شورای امنیت سازمان ملل واکنشی مثل واکنش آمریکا نشان می دهد و کشورهای سکولاریست اطراف مالی در نشست داکار، پایتخت سنگال توافق کردند که چهارده کشور آفریقایی عضو اکواز ارتش خود را برای پورش احتمالی به شمال مالی که در دست مجاهدین مسلمان دارالاسلام «دولة أزواد الإسلامية» قرار گرفته است به حال آماده باش در می آورند.

به این شکل اتحادی بین المللی از کفار سکولار جهانی و منطقه ای و محلی و دارودسته ی منافقین بومی جهت نابودی دارالاسلام «دولة اُزواد الإسلامية» شکل گرفت.

این یعنی همان کاری که ما در همین چند دهه ی گذشته با چشم خود دیده ایم که هر گاه دارالاسلامی تشکیل شده بعد از راه انداختن جنگ روانی در اولین فرصت جنگ مسلحانه جهت نابودی آن را نیز راه انداخته اند. مگر جنگ را بر دارالاسلام جمهوری اسلامی ترکستان شرقی و جمهوری اسلامی ایران و امارت اسلامی طالبان و اتحادیه ی دادگاههای اسلامی سومالی تحمیل نکردند؟

در اینجا نیز بزرگترین ترس کفار سکولار جهانی و کشورهای دست نشانده و سکولاریست اطراف کشور مالی و سکولاریستهای داخلی و دارودسته ی منافقین محلی از این بود که قانون سکولاریستی حاکم بر مالی از بین برود و سکولاریستها تسلیم خواست مردم مسلمان شوند و احکام شریعت الله به جای دین سکولاریسم به مرحله ی اجرا در آید و حکومت مستقل و غیر وابسته و در مسیر پیشرفت و تقویت مسلمین ستمدیده ی منطقه تشکیل شود.

اما جالب است بدانید که خائنین داخلی مثل سایر سرزمینهای اسلامی اولین جرقه های جنگ بر علیه دارالاسلام «دولة اُزواد الإسلامية» زدند و در اینجا نیز حزب سکولار و ملی گرای «الحركة الوطنية لتحرير اُزواد» جنبش ملی گرا برای آزادی اُزواد اولین جنگها را بر دارالاسلام تحمیل کرد و بعد از بیرون رانده شدن از «غاو» مرکز آنها و تسلط مسلمین شریعت گرا بر منطقه و آزاد سازی تمام مناطق اُزواد نشین و آزادی تمام اقلیم اُزواد از ارتش اشغالگر و سکولار مالی می بینیم که همین حزبی که ادعای ملی گرایی و دفاع از ملت اُزواد و آزادی ملت اُزواد دارد در کنار سایر کفار بر علیه دارالاسلام «دولة اُزواد الإسلامية» قرار می گیرند که اُزواد را «مستقل و آزاد» کرده بود و سایر کفار را در اشغال مجدد سرزمین اُزواد یاری می دهند و دقیقاً بر عکس دارالاسلام «دولة اُزواد الإسلامية» که تنها به استقلال اُزواد و تطبیق قانون شریعت الله بر مسلمین راضی بود این حزب سکولار محلی شعار خود را از آزادی و استقلال اُزواد به خودمختاری داخلی اُزواد در چارچوب کشور سکولار مالی تغییر می دهند. این تغییر تاکتیکهای احزاب سکولار مزدور محلی برای شما هم آشنا نیست؟

مگر ندیدیم که بارزانی ها صدام حسین را یاری کردند و آوردند داخل کردستان که از آن فراری شده بودند؟ مگر طالبانی ها هم صدام حسین را نیاوردند؟ اینها تکرار تاریخ و درسهای تاریخ است که به ما یاد میدهد که اگر از اینها درس نگیریم مجبور به تکرار این فجایع هستیم و بارها توسط همین سکولار

محلّی مورد ظلم قرار می‌گیریم و مردم ما مورد خرید و فروش قرار می‌گیرند و به ملت ما و دین ما و آبروی ما توسط همین خائنین سکولار و سکولار زده ی محلّی خیانت می‌شود.

امیدوارم کم هوش ترین مسلمان بعد از اینهمه تجربیات در منطقه ی خود و در تمام سرزمینهای اسلامی جهان به ماهیت این احزاب سکولار و ملی گرای بومی و محلّی پی برده باشد و با لگدی جانانه این احزاب سکولار و تمام شعارهای دروغینشان را از سرزمین خود بیرون بریزند و سرزمین خود را از نجاست این احزاب سکولار پاک کنند.

با تمام این مقدمات در توطئه ای حساب شده کشور سکولار فرانسه در ۲۲ دی ۱۳۹۱ش (۱۱ ژانویه ۲۰۱۳ن) به دارالاسلام «دولة أَرَواد الإسلامية» حمله کرد و رسماً در پناه حمایت‌های بین المللی و منطقه ای و محلّی سکولاریستها به اشغال این بخش از سرزمین آزاد شده ی مسلمین پرداخت و نظامیان کشورهای بزرگ سکولاریستی جهان همچون چین، آمریکا، فرانسه و... هرکدام جهت کسب سهم بیشتر وارد کشور فلاکت بار مالی شدند. **تنها کافی است که نگاه کنید که فرانسه در سال چند تن طلا از کشور مالی می‌دزدد و بقیه دزدهای جهانی و منطقه ای و محلّی هم سهم شان چقدر است؟**

در بهمن ۱۳۹۱ش (فوریه ۲۰۱۳ن) آمریکا ایاد آغ غالی رهبر دارالاسلام «دولة أَرَواد الإسلامية» را رهبری تروریست معرفی کرد و در اسفند ۱۳۹۱ش (مارس ۲۰۱۳ن) هم «حركة أنصار الدین» را در لیست سیاه گروههای تروریستی خود قرار داد و به این شکل در کنار سایر کفار در جنگ با دارالاسلام «دولة أَرَواد الإسلامية» قرار گرفت.

دارالاسلام «دولة أَرَواد الإسلامية» به این شکل در همین سال سقوط کرد و برای اهل بینائی و بصیرت عبرت و درسی تکراری شد مثل «يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (نور/۴۴) و برای چندمین بار درسی تکراری را به ما داد.

بازماندگان دارالاسلام «دولة أَرَواد الإسلامية» بار دیگر در حزب «حركة انصار الدین» جهاد خود بر علیه اشغالگران سکولار و مزدوران محلّی آنها ادامه دادند تا اینکه در سال ۱۳۹۵ش در کنار آمریکا و ناتو ۵ کشور دست نشانده و سکولار مالی و موریتانیا و النیجر و چاد و بورکینا فاسو ارتش مشترکی را جهت جنگ با مجاهدین منطقه تشکیل دادند.

در واکنش به این اتحاد کفار سکولار جهانی و منطقه ای و در کمتر از یک ماه ۴ حزب جهادی :

- ۲- جبهة تحرير ماسينا به رهبری محمد کویفا
- ۳- سازمان المرابطون به رهبری مختار بلمختار
- ۴- «حركة أنصار الدين» به رهبری إیاد آگ غالی

با هم متحد شدند و در تاریخ ۱۲/۱۲/۱۳۹۵ ش (۲ مارس ۲۰۱۷ ن) «جماعة نصرة الإسلام والمسلمين» را تأسیس کردند و «شیخ إیاد آگ غالی» را به عنوان رهبر خود انتخاب کرده و به سازمان القاعده و رهبر طالبان بیعت دادند و تا کنون جهاد خود را بر علیه کفار سکولار و اشغالگر خارجی و متحدان آنها از کانال نازلتترین ابزار از «۳ ابزار» برتر ادامه داده اند.